

## دستمزدهای کارگری کجا! هزینه های زندگی کجا!

سازمان فدائیان (اقلیت)

بیست چهارم اسفند ماه هشتاد و شش

با وجود آنکه محمد جهرمی وزیر کار جمهوری اسلامی، یک بار در اواخر دی و بار دیگر در سیزدهم اسفند اعلام نمود که حداقل دستمزدهای کارگری، در نیمه دوم اسفند ماه اعلام می شود، اما هنوز میزان حداقل دستمزد برای سال ۸۷ توسط شورای عالی کار تعیین نشده است و یا اگر هم تعیین شده است، تا این لحظه، یعنی ۱۹ اسفند ۸۶، اعلام نشده است. با این همه، روال تعیین و اعلام حداقل دستمزدها مشخص است و اندکی دیرتر یا زودتر اعلام کردن آن، نه دردی را از طبقه کارگر دوا می کند و نه تغییری در این اصل ایجاد می کند که سطح دستمزدها همچنان نازل و اندک باقی می ماند و از قدرت خرید کارگری مدام کاسته می شود.

چندین سال است که ظاهر آبرپایه نرخ تورمی که از سوی بانک مرکزی اعلام می شود و عموماً بسیار کم تر از میزان تورم واقعی است، شورای عالی کار که مرکب از نمایندگان دولت، کارفرمایان و افرادی از "کانون عالی شوراهای اسلامی کار"، که این ها نیز عمال دولت و کارفرمایان هستند، میزان حداقل دستمزد تعیین و اعلام می شود. امسال نیز رقم نرخ تورمی که از سوی بانک مرکزی اعلام شده است، زیر ۲۰ درصد و در حدود ۱۸ درصد است. این درحالیست که در طول سال ۸۶، قیمت ها نه فقط به طور پیوسته و تدریجی در حال افزایش بوده است، بلکه به طور جهشی نیز چندین بار قیمت ها افزایش یافته است و بدون استثنا، قیمت تمام کالاها و خدمات مورد نیاز کارگران از نان و برنج و روغن و گوشت و سایر اقلام خوراکی ها گرفته تا پوشاک و دارو و اجاره مسکن، نسبت به سال گذشته بین ۲۰ تا ۴۰ درصد و در مواردی تا ۵۰ درصد افزایش یافته است.

اگر نرخ تورم واقعی را حدود ۳۰ درصد در نظر بگیریم، این مسئله کاملاً روشن است که چنانچه میزان حداقل دستمزد بر پایه نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی و یا فرضاً به میزان ۲۰ درصد هم افزایش پیدا کند، این دستمزد، نه فقط نمی تواند تامین کننده هزینه ها باشد، بلکه حتا میزان تورم در سال جاری را هم جبران نمی کند و هنوز ۱۰ درصد از آن عقب تر است. به عبارت دیگر از آنجا که قیمت کالاها و خدمات به نسبت بسیار بیشتری در مقایسه با دستمزدها افزایش پیدا کرده است، کارگر دیگر قادر نیست با این دستمزد، همان میزان کالا و خدمات قبلی را تهیه نماید. این یعنی آن که دستمزد واقعی و قدرت خرید کارگر کاهش پیدای می کند.

البته عقب ماندن دستمزد نسبت به میزان تورم و کاهش قدرت خرید کارگر از این طریق، منحصر به امسال نیست. سال های گذشته نیز دولت به همین شیوه عمل کرده است و در بسیاری موارد، حتا به میزان نرخ تورم اعلام شده هم، دستمزدها را افزایش نداده است و هر ساله فشارهای مشدت و مرکبی را بر دوش طبقه کارگر تحمیل نموده است که در نتیجه آن، فاصله دستمزدها و هزینه ها مدام بیشتر و عمیق تر شده و در همان حال قدرت خرید کارگران و دستمزدهای واقعی، پیوسته روندی نزولی پیموده است! چنین است که دستمزدهای کارگری در طی چند سال گذشته پیوسته در زیر خط فقر بوده است و چندقازی که به دستمزدها اضافه شده است هیچ تناسبی با افزایش قیمت ها،

مخارج و هزینه های یک خانوار کارگری نداشته است.

فرض کنیم امسال نیز شورای عالی کار، در نهایت ۱۸ درصد و یا ۲۰ درصد بر حداقل دستمزدها که ۱۸۳ هزار تومان است اضافه کند. تا زه می شود رقمی در حدود ۲۱۵ تا ۲۲۰ هزار تومان. وقتی که اجاره ی دو اتاق یا سه اتاق، در مناطق کارگر نشین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان است، کارگر که با این دستمزدها می تواند هزینه اجاره مسکن را به پردازد، چگونه باید زندگی کند؟ چگونه باید نیازهای ضروری زندگی خود را تامین کند؟ آیا جز این است که با این دستمزدها، سرمایه داران و دولت آن ها عملاً کارگران را به فقر و ناداری و گرسنگی می رانند؟

مسئولین دولتی به این سؤال ها پاسخی نمی دهند! مسئولین دولتی علاقه ای ندارند در مورد میزان خط فقر صحبت کنند و در این مورد سکوت کرده اند! چرا که صحبت کردن در این مورد، نه فقط موجب رسوائی بیشتر رژیم می شود که کارگران و اکثریت قابل توجهی از کارکنان و حقوق بگیران را به زندگی در زیر خط فقر محکوم ساخته است، بلکه بیهودگی و ناکافی بودن تعیین حداقل دستمزد بر پایه نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی را نیز برملا می سازد.

عبدالله مختاری، یکی از اعضای "کمیته مزد کشور" میزان خط فقر را در سراسر کشور ۵۵۰ الی ۶۰۰ هزار تومان اعلام کرد. معنای این عبارت این است که هر کارگری که ماهانه کمتر از ۶۰۰ هزار تومان درآمد داشته باشد نمی تواند نیازهای ضروری و معیشتی خود را تامین کند و به زندگی در زیر خط فقر محکوم است. آیا روشن نیست که افزایش میزان حداقل دستمزد حتا متناسب با نرخ تورم واقعی در سال ۸۶ نیز پاسخگوی شرایط و نیازهای زندگی کارگر نیست؟ ۳۰ درصد که هیچ حتا در صد در صد هم بر میزان حداقل دستمزدها اضافه شود باز هم کارگر نمی تواند با آن نیازهای ضروری و معیشتی خود و خانواده اش را تامین کند، تا چه رسد به حدود ۱۸ درصدی که از سوی بانک مرکزی اعلام شده است.

محمد جهرمی وزیر کار جمهوری اسلامی می گوید: "سال گذشته حدود سه هزار و ۲۰۰ واحد به صورت تصادفی مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که فقط ۵/۱۸ درصد کارگران حداقل دستمزد دریافت می کنند. این بررسی در سال جاری نیز دوباره انجام شد و با سه درصد افزایش به ۵/۲۱ درصد رسید."

جهرمی که خیلی خوب می داند میزان حداقل دستمزدهای کارگری تا چه میزان وحشتناکی پائین است، در ادامه صحبت های خود می گوید "حدود ۸۰ درصد کارگران بیش از حداقل دستمزد دریافت می کنند"

وزیر کار ظاهراً می خواهد بگوید حداقل دستمزد مهم نیست که چه میزان باشد، آن هم درست در لحظه ای که بحث تعیین میزان حداقل دستمزد مطرح است. چرا مهم نیست؟ چون به زعم ایشان بخش محدودی از کارگران فقط در این حدود دریافت می کنند و حدود ۸۰ درصد کارگران بیشتر دریافت می کنند.

در این اظهار نظر، محمد جهرمی وزیر سرمایه داران، اولاً فراموش می کند بگوید، در میان این واحدها و کارخانه هائی که "به صورت تصادفی" مورد بررسی قرار گرفته اند آیا تصادفاً کارخانه و کارگاهی هم دیده شده است که به کارگران آن، حداقل دستمزدهای کارگری پرداخت نمی شود و اصولاً چند درصد کارگران، همین حداقل دستمزد را هم دریافت نمی کنند و یا انبوه کارگرانی که در کارگاه های کمتر از ۱۰ کارگر و کمتر از ۵ کارگر کار می کنند، به ویژه کارگران زنی که ماهانه از ۶۰ تا ۹۰ هزار تومان دستمزد می گیرند در کجای این "بررسی" قرار می گیرند؟

ثانیاً فرض را بر این بگیریم که نه هشتاد درصد، بلکه تمام کارگران، از مزایائی نظیر حق اولاد، حق مسکن، پاداش

و مزایای غیر نقدی برخوردارند و بیشتر از حداقل دستمزد دریافت می کنند. صرف نظر از این که این مزایا نیز جزئی از دستمزد کارگر است که سرمایه دار، آن را تکه تکه می کند و به کارگر می پردازد، اما وزیر کار باید رقم نهائی را بگوید و به کارگران پاسخ دهد که بالاخره با احتساب تمام اینها، آیا دستمزد و دریافتی کارگر، به قدری هست که از میزان خط فقر عبور کند؟ آیا دستمزد کارگر به قدری هست که نیازها و ضروریات یک زندگی معمولی خانوار کارگری را تامین کند؟

البته که وزیر کار پاسخی ندارد که به کارگران بدهد و در اینجا هم سکوت می کند، چون پاسخ، منفی است! چرا که دستمزد هر کارگری که آغاز به کاری کند، ولو بادر نظر گرفتن تمام این مزایا نیز از ۲۰۰ و ۲۵۰ هزار تومان تجاوز نمی کند. بنابراین دستمزدهای کارگری باید به نحوی تعیین شود که پاسخگوی نیازمندی ها و مخارج یک خانوار کارگری باشد. افزایش میزان حداقل دستمزد برپایه نرخ تورم، تناسبی با هزینه های موجودندارد و در لحظه ی کنونی پاسخگوی نیازها و مخارج کارگری نیست. دستمزدهای کارگری نمی تواند و نباید در زیر خط فقر تعیین شود. کارگران خواهان افزایش دستمزدهای خویش اندو اگر خط فقر ۶۰۰ هزار تومان است، دستمزد کارگر باید بیشتر از میزان خط فقر باشد. کارگر، تنها صاحب نیروی کار خویش است. کارگر نیروی کار خود را به سرمایه دار می فروشد و با پولی که در ازاء آن دریافت می کند، باید بتواند معاش خود و خانواده اش را تامین کند و سطح زندگی اش را ارتقاء دهد. چه کسی گفته است کارگر باید فقط به حداقل ها اکتفا کند؟ چه کسی گفته است که کارگر باید زیر خط فقر زندگی کند؟ افزایش دستمزدها نه فقط از این جنبه که کارگر برای ترمیم نیروی خود و ادامه کاری باید بتواند نیازهای معیشتی خود و خانواده اش را تامین کند، مسئله ای مهم و حیاتی است، بلکه اساسا به این دلیل که کارگر آفریننده تمام وسائل رفاهی و معیشتی و نعمات اجتماعی است، حق دارد لااقل از یک رفاه نسبی و سطح زندگی متوسطی برخوردار باشد و دستمزد مناسبی داشته باشد. دستمزدها همانه کارگر در شرایط حاضر نباید کمتر از ۶۰۰ هزار تومان باشد. این خواست همه کارگران است. اما این که طبقه سرمایه دار و دولت این طبقه، به این خواست کارگران گردن بگذارند و تا چه میزان در برابر کارگران عقب بنشینند یا نه؟ تماما به این بستگی دارد که کارگران تا چه میزان، خود را متشکل ساخته و مبارزه برای تحقق خواست افزایش دستمزد را گسترش دهند.

آن چه که روشن و مشخص است این است که تا این نظام و مناسبات سرمایه داری پابرجا باشد، مادام که هنوز طبقه کارگر قادر نشده است قدرت سیاسی را به چنگ آورد و سرنوشت خویش را در دست گیرد، راه دیگری ندارد جز آنکه مطالبات خود را به زور اعتصاب و اعتراض و مبارزه متشکل، از طبقه حاکم بگیرد.

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۳۸۶/۱۲/۲۴

نقل از شماره ۲۲۰-۲۲۱ نشریه کار - ارگان سازمان فدائیان (اقلیت)